مرگ مادر و کودک در سیلاب مشهد اردهال

سهل‌انگاری راننده زن و توقف خودرویش در حاشیه رودخانه مشهد اردهال در بخش نیاسر کاشان بعد از طغیان رودخانه باعث مرگ وی و کودکش شد.
منصور شیشه‌فروش، مدیرکل ستاد مدیریت بحران استان اصفهان به ایمنا گفت: وقوع سیل و آب‌بردگی شامگاه سه‌شنبه باعث شد تا رودخانه مشهد اردهال در بخش نیاسر کاشان، فعال شود و از ۳۰ خودرویی که در مسیر سیل بودند تنها سه خودرو سهل‌انگاری کردند و از مسیر رودخانه خارج نشدند که آب یکی از آنها را که پرایدی بود، با خود برد. زن جوان و کودک پنج ساله‌اش سرنشینان این خودرو بودند که دچار حادثه شده و فوت کردند.
پس از وقوع سیلاب، تیم‌های امدادی در محل حاضر شده و عملیات جست‌وجو برای یافتن جسد مادر و پسر را آغاز کرده و به افراد گرفتار امدادرسانی کردند.
این در حالی است که پیش از این اداره‌کل هواشناسی استان اصفهان درخصوص خطر وقوع سیلاب و بارش‌های رگباری هشدار داده بود.

گزارش اختصاصی جام جم از ماجرای زنده شدن پیرزن ۸۵ ساله‌ای که در غسالخانه به زندگی برگشت

بازگشت مرحوم مادربزرگ!

لیلا حسین‌زاده
حوادث

دو روز از زنده شدن دوباره پیرزن ۸۵ ساله یاسوجی در غسالخانه می‌گذرد و این ماجرای عجیب و باورنکردنی هنوز سرزبان‌هاست. پس از انتشار خبر زنده شدن پیرزن روستایی در پشت صحنه این هفته سراغ تکنیسین اورژانس هوایی یاسوج و نوه پیرزن رفتیم که آنها در گفت‌وگو با جام جم از جزئیات روز مرگ و زنده شدن دوباره‌اش گفتند.

کمتر کسی پس از مرگ، شانس زندگی دوباره پیدا می‌کند. تقریبا این شانس نزدیک به صفر است، اما عمر «شمسی بلاژ»، پیرزن خبرساز و اهل روستای چال باغچه زیلایی به دنیا باقی بود. روز دوشنبه، درست زمانی که قرار بود اهالی روستا زندگی را دوباره از نو آغاز کنند، تقدیر، سرنوشت دیگری برای پیرزن رقم زده بود.
احمد ولی‌پور، نوه ۴۰ ساله پیرزن که رئیس شورای روستا هم است، درباره آن روز به جام جم می‌گوید: «خانه ما با خانه مادربزرگم، ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر فاصله دارد. آن روز، مادرم به خانه مادربزرگم رفته بود. ساعت هفت صبح بود که تلفن زنگ زد. گوشی را که جواب دادم، مادرم بود و گفت مادربزرگت فوت شده است. با این خبر، خودم را به خانه مادربزرگم رساندم و بر بالینش رفتم. ظاهرش که نشان می‌داد فوت کرده است، اما چون دوستش داشتم و نمی‌توانستم مرگش را باور کنم، دستم را روی قلبش گذاشتم تا بدانم ضربان قلب دارد یا نه. در سکوت سعی کردم ضربان قلبش را حس کنم، اما قلب مادربزرگم ضربان نداشت و فوت کرده بود.»

او زنده است

روستا کوچک بود و تمام اهالی روستا، مادربزرگ را به عنوان یکی از بزرگان روستا می‌شناختند. خیلی طول نکشید که مردم روستا از مرگ او باخبر شدند و در حالی که بسیاری از آنها لباس سیاه عزا به تن کرده بودند، دسته دسته به سمت خانه او روانه شدند. صدای شیون از خانه مادربزرگ شنیده می‌شد و فرزندانش بر بالینش اشک می‌ریختند. در فاصله‌ای که فرزندان او و اهالی روستا مشغول عزاداری بودند، احمد تصمیم گرفت قبری برای مادربزرگش تهیه کند. او در ادامه توضیح می‌دهد: «بعد از آماده‌کردن قبر، سدر و کافور تهیه کردیم تا به غسالخانه بدهیم و خانم‌های غسال، مادربزرگم را غسل دهند. ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح بود. هنوز شست‌وشوی میت را آغاز نکرده بودند که ناگهان همهمه و جیغ زنان بلند شد که می‌گفتند زنده شد، زنده شد. هرکس حرفی می‌زد، اما از میان فریادها متوجه شدم دست مادربزرگم تکان خورده است. در واقع او دوباره زنده شده بود. با این خبر، به‌سرعت با مسؤول مرکز جامع سلامت موشمی زیلایی تماس گرفتم و او را در جریان اتفاقی که برای مادربزرگم افتاده بود، قرار دادم.»
آرامش روستا به هم خورده بود. بعضی صورت‌ها می‌خندید، بعضی هم خنده و اشک را با هم داشتند، اما همه خوشحال بودند که مادربزرگ سالخورده روستا دوباره به زندگی برگشته است.

مرگ پنجه در پنجه پیرزن

اسلام دانایی‌مهر، کارشناس بهداشت محیط مرکز جامع سلامت موشمی زیلایی می‌گوید: «ساعت ۱۰ صبح بود که اهالی روستا با مرکز تماس گرفتند و اعلام کردند زن سالخورده‌ای که فوت کرده بود، دوباره زنده شده است. با دکتر کریمی‌زاده تماس گرفتم و او را در جریان موضوع قرار دادم. در کمترین زمان ممکن، همراه وسایل احیا و آمبولانس، خودمان را به روستا رساندیم. پس از انجام عملیات احیا روی بیمار، عازم مرکز شدیم. در طول مسیر احساس کردیم بیمار دوباره تمام کرده است، دکتر کریمی‌زاده به‌سرعت دست به کار شد و عملیات احیا را انجام داد که خوشبختانه بیمار برگشت. وقتی به مرکز رسیدیم، دکتر از بیمار نوار قلب گرفت و متوجه شد ضربانش نامنظم است و وضعیت مناسبی ندارد و لازم است به یک مرکز درمانی مجهزتر منتقل شود. با توجه به بحرانی بودن شرایط، با اورژانس هوایی یاسوج تماس گرفتیم و درخواست بالگرد کردیم.»

در تکاپوی نجات جان مادربزرگ

عقربه‌ها ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه صبح را نشان می‌داد که تلفن اورژانس ۱۱۵ یاسوج به صدا درآمد. در شرایطی که نجات زندگی مادربزرگ سالخورده به ثانیه وابسته بود، مرکز، با توجه به بحرانی بودن وضعیت جسمی او، کوهستانی و صعب‌العبور بودن مسیر به بالگرد اعلام آماده‌باش داد.
خدابخش محمدزاده، تکنیسین اورژانس هوایی یاسوج در ادامه می‌گوید: «ساعت ۱۰ و ۵۰ دقیقه صبح همراه دو خلبان و همکارم علی یارنسب به سمت روستای موشمی زیلایی پرواز کردیم. یک کیلومتر پس از روستا، روی زمین مسطحی فرود آمدیم. لحظه‌ای که به بالین بیمار رسیدیم، سطح هوشیاری‌اش روی عدد ۹ و پزشک روستا مراقب وضعیتش بود. پس از دریافت شرح حال بیمار، علائم حیاتی‌اش را کنترل کردیم. با مشاهده نوار قلبی متوجه شدیم بیمار سکته قلبی کرده است. پزشک گفت ایست قلبی هم کرده است و برای همین راه‌های تنفسی‌اش را باز و سپس او را به بالگرد منتقل کردیم. در طول مسیر در عین این‌که به‌طور مرتب وضعیت فشار خون، ضربان قلب، میزان اشباع اکسیژن خون و.. بیمار مانیتورینگ می‌شد، او را با انجام اکسیژن درمانی با غلظت بالا و باز نگهداشتن راه‌های هوایی حمایت می‌کردیم. پس از حدود ۴۵ دقیقه به بیمارستان رسیدیم و بیمار را تحویل آمبولانس بیمارستان دادیم تا تحت درمان‌های مجهزتری قرار گیرد.»
محمدزاده در پاسخ به این که چند درصد احتمال دارد قلب افراد پس از سکته قلبی، بدون استفاده از هیچ دستگاه و اقدام حمایتی درمانی دوباره به تپش بیفتد، می‌گوید: «هیچ درصدی نمی‌توان برای آن درنظر گرفت. این مساله به عوامل زیادی مانند سن، میزان درگیری قلب با سکته، سابقه قبلی و... بستگی دارد. اما می‌توان گفت علت به تپش افتادن دوباره قلب پس از گذشت دو ساعت بدون دریافت هیچ اقدام درمانی این باشد که قلب «این پالس»، تولید و آن را به دهلیز و بطن قلب ارسال کرده و در اثر آن، انقباض، انبساط و پمپاژ خون رخ داده است. در نتیجه این عمل، قلب این بیمار دوباره به تپش افتاده است.»

> زمانی که غسال‌ها قصد غسل پیرزن را داشتند متوجه حرکت دست او شدند

جنایت هولناک برای فرار از بدهی ۳ میلیاردی

مرد میانسال که برای فرار از پرداخت بدهی سه میلیاردی، مرد طلبکار را بعد از قتل داخل چاه انداخته بود در محل جنایت دستگیر شد. قاتل قصد کشتن خواهر و خواهرزاده مقتول را هم داشت که ناکام ماند.
به گزارش خبرنگار جام جم، حوالی ساعت ۴ بامداد دیروز خبری مبنی بر یک فقره اسیدپاشی در محله چشمه علی شهرری به پلیس اعلام شد و تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۱ شهرری به محل اعزام شدند. ماموران با حضور در محل دریافتند که اسیدپاشی صحت ندارد و در پارکینگ خانه جنایتی رخ داده است. در ادامه قاتل که در یک انباری مخفی شده بود، بازداشت شد. تحقیقات اولیه نشان داد، قاتل مردی حدود ۴۷ ساله را به قتل رسانده و جسد مقتول را داخل یک چاه فاضلاب انداخته است. او همچنین خواهر و خواهرزاده مقتول را مجروح کرده بود که به بیمارستان منتقل شدند. متهم به قتل در جریان تحقیقات گفت: بیش از ده سال است با مقتول آشنایی و رفت و آمد خانوادگی داشتم. در این مدت نیز چند پروژه مالی با مقتول انجام دادم تا این‌که از مدتی قبل بر سر موضوعات مالی با هم اختلاف پیدا کردیم و این اختلافات ادامه‌دار شد. شامگاه ۲۳ اردیبهشت برای حل و فصل موضوعات مالی او را به خانه‌ام دعوت کرده و در پارکینگ آپارتمان مشغول صحبت شدیم. به او گفتم به جای پول، تو را برای کسب درآمد به دبی می‌فرستم که قبول نکرد. کار به فحاشی کشید و مقتول چوبی از روی زمین برداشت و دو ضربه به من زد. دوره دفاع شخصی گذرانده بودم و چوب را از دستش گرفتم. با چوب ضربه‌ای به دوستم زدم و او روی زمین افتاد. قصد داشتم او را با طناب خفه کنم اما به خاطر نفرتی که از او داشتم، پیکرش را داخل چاهی که در پارکینگ بود، انداختم. بعد از قتل با خواهر و خواهرزاده مقتول تماس گرفته و آنها را به پارکینگ خانه‌ام کشاندم. می‌خواستم تمام اعضای خانواده‌اش را بکشم. ابتدا خواهرزاده مقتول که پسری ۲۱ ساله بود را داخل چاه انداختم و بعد خواهر مقتول را کتک زدم. پسر جوان در دهانه چاه گیر کرده و خود را بالا کشید و همسایه‌ها را خبر کرد.
به گفته جانشین رئیس پلیس پیشگیری پایتخت، مقتول حدود ۵۰۰ میلیون تومان از متهم طلب داشت اما درخواست سه میلیارد تومان از وی داشته است. در این بین قاتل با وعده پوچ اعزام به دبی برای سرمایه‌گذاری قصد سر کار گذاشتن خانواده مقتول را داشته که یکی دیگر از خواهران مقتول برای سرمایه‌گذاری در دبی و پرداخت پول به قاتل منزل و خودرواش را زیرقیمت فروخته بود.

شرط عجیب اولیای دم برای بخشش هنرجوی بازیگری

می‌خواهم شب‌های قدر کنار مادرم باشم

هنرجوی بازیگری که یک پیرمرد را کشته بود، پس از هشت سال با کمک خیرین توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. متهم دیروز در جلسه محاکمه‌اش از قضات خواست به حرمت ماه مبارک رمضان در مجازات وی تخفیف قائل شوند تا شب‌های قدر کنار مادرش باشد.
به گزارش خبرنگار جام جم، مجتبی ۳۲ ساله بیست و نهم مرداد ۹۰ وقتی که ۲۵ سال داشت و هنرجوی بازیگری بود در یک خانه مجردی در خیابان ستارخان یک پیرمرد ۶۵ ساله به نام جواد را با ضربه‌های چاقو کشت و گریخت. این پسر که با دزدیدن خودروی قربانی گریخته بود دو ماه بعد از این ماجرا از طریق کارت سوخت مقتول شناسایی و دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.
در حالی که مجتبی محاکمه و به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شده بود قضات دیوان‌عالی کشور حکم صادره را تایید نکردند و وی برای دومین بار از خود دفاع کرد. او گفت: من به خاطر بیکاری و بی‌پولی خام حرف‌های پیرمرد شدم و به ذوق بازی در یک فیلم معروف به خانه مجردی او رفتم. اما در دفاع از خودم او را کشتم.
قضات دادگاه این بار نیز ادعای قاتل را رد کرده و او را به قصاص محکوم کردند. حکم در شعبه ۲۴ دیوان‌عالی کشور مهر تایید خورده بود که اولیای دم با گذاشتن دو شرط اعلام کردند حاضر به گذشت هستند. آنها گفتند مجتبی باید به دو روان‌شناس سرشناس معرفی شود تا آنها درباره سلامت وی اظهار نظر کنند. بعد از اظهارنظر دو روان‌شناس آنها حاضرند با دریافت سه دیه کامل از قصاص گذشت کنند.
مجتبی این دو شرط را پذیرفت و به دو روان‌شناس معرفی شد. روان‌شناسان پس از معاینات تخصصی اعلام کردند وی از سلامت روان برخوردار است. بعد از این اظهارنظر قرار بود مجتبی به دومین شرط عمل کند ولی او در پرداخت دیه ناتوان بود. در حالی که هشت سال از جنایت گذشته بود مجتبی با کمک خیرین و در مراسم گلریزان توانست مبلغ یک دیه کامل را جمع کند. در این میان اولیای دم با توجه به شرایط خاص خانوادگی مجتبی پذیرفتند با دریافت یک دیه از قصاص گذشت کنند. به این ترتیب مجتبی از قصاص رهایی یافت و دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.
در این جلسه که به ریاست قاضی قربان‌زاده و با حضور یک قاضی مستشار برگزار شد مجتبی روبه‌روی قضات ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من آن زمان بیکار بودم و با ماشینی که قسطی خریده بودم مسافرکشی می‌کردم. وضع مالی خوبی نداشتم و چون به‌تازگی نامزد کرده بودم، دنبال یک کار خوب می‌گشتم. از طرفی هنرجوی بازیگری بودم و در کلاس‌های آزاد بازیگری شرکت می‌کردم. عصرها بعد از کلاس به تئاتر شهر می‌رفتم و در پارک دانشجو تئاترهای خیابانی نگاه می‌کردم که با آن پیرمرد آشنا شدم. او می‌گفت با یک کارگردان آشناست و می‌تواند مرا به او معرفی کند تا در یک فیلم خوب بازی کنم. وقتی پیرمرد سر صحبت را باز کرد و گفت می‌تواند کاری کند که یک بازیگر معروف شوم از ذوقم سوار ماشین او شدم و به خانه‌ای در ستارخان رفتم. وقتی به خانه رسیدیم جواد به من مشروب خوراند. او از من خواست تا او را ماساژ دهم. آنجا بود که فهمیدم اسیر وسوسه‌های شیطانی شده و می‌خواهد مرا آزار دهد که مقاومت کردم. اما او به رویم چاقو کشید و من هم برای دفاع از خودم چاقو را از او گرفتم و چند ضربه به او زدم. چون در هفت سالگی شاهد قتل دایی‌ام به دست پدرم بودم همیشه از چاقو وحشت داشتم. باور کنید اگر قصد کشتن پیرمرد را داشتم می‌توانستم چاقو را به سینه او فروکنم. از ترسم فقط چند خط روی بدن او کشیدم ولی وقتی دیدم مقاومت می‌کند برای نجات خودم ضربه‌ای به گردنش زدم.
مجتبی درباره نحوه جلب رضایت اولیای دم گفت: ما وضع مالی خوبی نداریم و من خرج مادر و خواهرم را تامین می‌کردم. در مدتی که در زندان بودم خواهرم به بیماری سرطان مبتلا شد و مادرم نمی‌توانست خرج مداوای او را بپردازد. اولیای دم که از طریق وکلا متوجه اوضاع و احوال خانوادگی‌ام شده بودند اعلام کردند با دریافت یک دیه حاضر به گذشت هستند. آنجا بود که نزدیک عید چند نفر از وکلای دادگستری از طریق کانال اینترنتی خیرین، برایم مراسم گلریزان برگزار کردند و توانستند مبلغ دیه را جور کنند. من و خانواده ام در این سال‌ها سختی زیادی کشیدیم. من که زمان بازداشتم سیکل داشتم در زندان در رشته کامپیوتر درس خواندم و چند حرفه آموختم. قرآن را حفظ کرده و نگاهم به زندگی تغییر کرد. حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم به حرمت ماه مبارک رمضان در مجازاتم تخفیف قائل شوند تا بتوانم در شب‌های قدر پیش خانواده‌ام باشم.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

> قاتل پس از تایید سلامت روانی‌اش از سوی ۲ روان‌شناس توانست با کمک خیرین دیه مقتول را تهیه کرده و از مجازات قصاص نجات پیدا کند

تلنگر

قتل زن جوان در اتاق شماره ۲۵۱

همزمان با قتل زن جوان در اتاق شماره ۲۵۱ هتلی در شرق تهران، شوهر او به‌عنوان عامل جنایت تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۵ بعداز ظهر سه‌شنبه بیست وچهارم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری گلبرگ در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان کشف جسد زن ۲۷ ساله‌ای در هتلی در شرق پایتخت قرار داد.
در ادامه تیم جنایی با ورود به هتل مشاهده کردند جسد زن ۲۷ ساله کف اتاق شماره ۲۵۱ در طبقه دوم هتل افتاده است. زن جوان با اصابت حدود هفت ضربه چاقو به ناحیه شکم به قتل رسیده بود. چاقویی آغشته به خون نیز در چند قدمی جسد او کشف شد.
بررسی‌های تیم جنایی نشان داد آثار زخم ناشی از ضربه‌های چاقو روی دستان مقتول نیز دیده می‌شود که حکایت از جدال او با قاتل داشت.
نیروی خدماتی هتل که جسد را یافته بود به ماموران گفت: بعداز ظهر برای نظافت اتاق مقتول و شوهرش به اتاق ۲۵۱ رفتم اما در را باز نکردند. با کلید یدک در را باز کرده و با ورود به اتاق با جسد زن جوان روبه‌رو شدم. چند بار با شوهر او تماس گرفتیم تا ماجرای مرگ همسرش را اطلاع دهیم که تلفن وی خاموش بود.
در ادامه ماموران به تحقیق از مدیر هتل پرداختند که معلوم شد مقتول همراه شوهر ۳۰ ساله‌اش از دو روز قبل از شهرستان قائنات به این هتل آمده بودند.
با جمع‌بندی این اطلاعات ماموران به بازبینی فیلم دوربین مداربسته هتل پرداختند که مشاهده کردند روزی که جنایت رخ داده، شوهر مقتول سراسیمه از اتاق بیرون آمده و محل را ترک کرده و دیگر بازنگشته و همسرش نیز از هتل خارج نشده است. همزمان با کشف همین سرنخ‌ها بود که پلیس اطمینان یافت شوهر مقتول عامل این جنایت است.

تحقیق از فوتبالی‌ها در پرونده قتل حمید حاجیان

احضار مدیرعامل سابق استیل‌آذین

مدیر سابق تیم فوتبال استیل آذین برای رازگشایی از قتل حمید حاجیان، وکیل تهرانی به اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار شد.
به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چهارم اردیبهشت امسال حمید حاجیان، وکیل ۴۱ ساله در خیابان کامرانیه جنوبی همراه زن ۲۵ ساله‌ای که همسر موقت او بود، در پارکینگ دفتر کارش هدف شلیک‌های یک مرد قرار گرفت. وکیل فوت شد و همسر او که زخمی شده بود با تلاش پزشکان در بیمارستان زنده ماند. پرونده‌ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. با دستور قضایی افرادی که مظنون در این قتل بودند، با انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران مورد تحقیقات قرارگرفتند.
تحقیقات نشان داد، اولین بار نام این وکیل از سوی حسین هدایتی در دادگاه بانک سرمایه مطرح شده بود. بنابراین چند روز پیش هدایتی به عنوان مطلع و گواه به دادسرای جنایی احضار و سپس به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و ماموران از او تحقیق کرده و اظهاراتش را ثبت کردند. در حالی که تحقیقات در این باره ادامه داشت دومین مردی که به عنوان مطلع، نام او در پرونده قتل مرد وکیل به دست آمد یکی از مدیران سابق تیم فوتبال استیل آذین بود. الف.م با هماهنگی قضایی برای ادامه تحقیقات در اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار شد. پلیس از او نیز به تحقیق پرداخت و اظهارات وی را ثبت کرد.
با جمع‌بندی اطلاعات از این دو مطلع در پرونده قتل وکیل تهرانی، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد.